

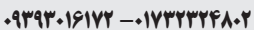


در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



وچند پرسش

■ با مسوولیت سردییر

پس از انتشار گزارش بر بن بست بسکتبال تعادل قابل توجهی از شهروندان با تماس با روزنامه و با فرستادن پیام به آن گزارش عکس العمل نشان دادند، برخی آن را در مسیری دانسته اند که می خواهد بسکتبال گرگان را به خاک بنشاند و برخی معتقد بودند که در آن اطلاعاتی بوده است که با به حال به آن اشراف نداشته اند و جمعی دیگر معتقد بودند که باید چنین هزینه هایی برای ارتقای بسکتبال گرگان انجام شود تا این اعتبار از دست نرود، البته نقد ما به عنوان دسترش فرهنگ گفت و گو و صداقت است تا از این رهگذار جمعه به سوی ارتقای ملیتی پیشی رود اما در این مجال باید بگویم، که همه شهروندان صاحب حقوق برابری هستند و با باید باشند بر این اساس باید چار چوبی قابل دفاع از سیاست ها و برنامه ریزی ها انجام شود تا در هنگام پاسخگویی زبان ها الکن نباشد این سیاستها پس از تبیین باید به طراح افکار عمومی برسد تا شهروندان که رضایت شان بر همه چیز مقدم است، رضایت خود را از آنها اعلام نمایند بر این اساس شورای اساهی شهر گرگان باید پاسخ دهد آیا اصولا سیاست ملون و معلومی را پیش می برد و ارزش اعمال کرده است یا این سیاستها مبتنی بر برابری همه شهروندان و استفاده از مزیت نسبی در روش ها اعمال شده است، به عبارت دیگر باید توضیح داده شود که مثلا سیاست شورای شهر و شهرداری گرگان تربیت شهروندان ورزشکار در گرگان است تا مانند سایرلی دور نام بزرگی مانند قایر، کالاسنگیانی و کبیر در بسکتبال برخشد اگر چنین است آیا در تیم های پایه سرمایه گذاری شده است؟ و این پرسش که اصولا نسبت شهرداری و شورای شهر با ورزش چیست؟ اگر قرار است شورای شهر همواره بخشی از دغدغه های تیم های بازی باشد پس چرا جابجاء افراد کل ورزش کجاست؟ آیا گلسنتی ها در ورزشهای دیگر همانند کشتی سر آمد نبوده اند پس چرا برابری کشتی سرمایه گذاری نمی شود آیا رمضان خلدراو اوس ملاح، داوود قنبری، بهمن طیبی ها که تا دیروز نامی در میان نلها داشته اند نتوانسته اند در منطقه خود تکثیر شوند؟ آیا کسی خبر دارد الان اوس ملاح و داوود قنبری چه می کنند؟ در نهایت آیا شورای شهر پاسخی برای ورزش های دیگر دارند، از جانب دیگر الگوی مانند جوینار در برابر ماست که ورزشکاران نتوانسته اند ملال های المپیک و جهانی را درو کنند در این باره آیا تعلیمی شده است و دهها پرسش دیگر که باید به آنها پاسخ داد و چار چوبی معین برای افراد و ارائه کرد و الا آشکار است که بدون طرح قبلی و بدون شفافیت و طرح مباحث در افکار عمومی پرسش ها بدون جواب می ماند و باز در هنگام تقسیم غنایم، ملعیان خواهند آمد و باز خود را خواهند برد و باز سر مردم بی کلاذ خواهند ماند. به این خاطر توجه اعضای شورای شهر و شهردار محترم باید به پاسخی برای این پرسش ها معطوف باشد تا همه در کنار هم برای آبادانی شهر بکوشند. شهردار محترم! برای این متوازن است و همه چیز باید در کلز کم و با دقت انجام شود تا محصولی به بار بنشیند و استمرار یابد، نقص در هر بخش ما را از رسیدن به توسعه باز خواهد داشت.

۸ مرداد، سال گرد خاموشی امیرحسین آریان پور
زیستاری به آزادی



لوطی و عنترش
نیادداشت»



From **بررسی سریال**

ملیله‌ای از اسطوره، دین و خاطره



آیا ضد آفتاب‌تان فاسد شده؟ نشانه‌ها و نگهداری صحیح



استاندار گلستان:

موانع اداری شرم آور است



مهارت های رشد اجتماعی

در کودکان و همدمی



مقایسه صادرات گمرکی و توان صادراتی در سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳

واقعتهای پنهان

تجارت خارجی گلستان



اند. این شاخص، معیاری دقیق برای سنجش ظرفیت واقعی تولید و صادرات استان است و نشان دهنده مشارکت واحدهای تولیدی و بازرگانی گلستان در حوزه تجارت خارجی است. تمایز این دو مفهوم، کلید درک تناقضات آماری و افشای گزارشهای غیرواقعی است. عدم تفکیک این شاخص‌ها در گزارشهای رسمی، سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی را گمراه کرده و مانع از برنامه ریزی دقیق برای توسعه پایدار می‌شود.

می شوند، صرفنظر از اینکه در کدام استان تولید شده اند. این آمار ممکن است کالاهایی را در بر بگیرد که از سایر نقاط کشور به گمرکات گلستان منتقل شده و از آنجا صادر می شوند. در نتیجه، صادرات گمرکی لزوماً بازتاب دهنده توان تولیدی و اقتصادی گلستان نیست و می تواند دستاوردها را بزرگ نمایي کند. ۲. توان صادراتی: به کالاهایی اشاره دارد که توسط واحدهای اقتصادی مستقر در گلستان (دارندگان کارت بازرگانی از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان) تولید و مستقیماً صادر شده

داده های مستند ملی، ضمن تعریف دقیق ماهییم، مقایسه جامع این دو شاخص، تحلیل چالش ها و پیامدهای گزارش های غیرواقعی، راهکارهایی برای توسعه پایدار استان گلستان ارائه می دهد. هدف، روشن کردن حقیقت و ترسیم مسیری واقع بینانه برای تحقق ظرفیت های این استان است.

تعریف مفاهیم: صادرات گمرکی در برابر توان صادراتی

۱. صادرات گمرکی: این شاخص شامل تمامی کالاهای صادراتی است که از گمرکات استان گلستان ترخیص

صابر قزلسفلو - استان گلستان، با
برخورداری از ظرفیت های بی نظیر در
کشاورزی، صنعت و معدن، پتانسیل
تبدیل شدن به یکی از قطب های
صادراتی ایران را دارد. با این حال، گزارش
های رسمی درباره عملکرد صادراتی این
استان در سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، تصویری
غیرشفاف و گاه گمراه کننده ارائه می دهند.
شکاف عمیق میان صادرات گمرکی و
توان صادراتی واقعی نشان دهنده نیرنگی
آماري است که با هدف کارآمد نشان دادن
مدیران ناکارآمد، واقعیت های اقتصادی را
کنتمان می کند. این گزارش، با تکیه بر



ادامه تیر اول

مقایسه صادرات گمرکی و توان صادراتی: شکاف واقعیت و ادعا

برای روشن شدن ابعاد گزارشهای غیرواقعی، مقایسه صادرات گمرکی و توان صادراتی ضروری است. جدول زیر این مقایسه را برای سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ نشان میدهد:

صادرات گمرکی (میلیون دلار)	وزن (هر تن)	ارزش هر تن (دلار)	توان صادراتی (میلیون دلار)	وزن (هر تن)	ارزش هر تن (میلیون دلار)	شکاف (میلیون دلار)
231	380	608	134	224	589	97
324	542	598	110	255	431	214
455	704	646	137	379	361	318

تحلیل شکاف آماری:

* گسترش شکاف: شکاف بین صادرات گمرکی و توان صادراتی از ۹۷ میلیون دلار در ۱۴۰۱ به ۳۱۸ میلیون دلار در ۱۴۰۳ افزایش یافته است. این شکاف نشان دهنده ثبت حجم عظیمی از کالاهای غیربومی (تولیدشده در سایر استانها) در گمرکات گلستان است که به عنوان دستاورد استان معرفی می شوند. * افت شدید ارزش افزوده در توان صادراتی: ارزش هر تن صادرات گمرکی در ۱۴۰۳ به ۶۴۶ دلار رسیده، اما ارزش هر تن توان صادراتی به ۳۶۱ دلار سقوط کرده است (افت ۳۹ درصد از ۵۸۹ دلار در ۱۴۰۱). این اختلاف، ضعف در تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا و تمرکز بر صادرات کم ارزش را نشان می دهد. * سهم ناچیز توان واقعی: در ۱۴۰۳، تنها ۳۰ درصد از صادرات گمرکی (۱۳۷ از ۴۵۵ میلیون دلار) به توان صادراتی واقعی گلستان مربوط است. این واقعیت، ادعاهای رشد چشمگیر صادرات را زیر سؤال می برد و نشان می دهد که بخش عمده آمار اعلام شده، نتیجه فعالیت های ترانزیتی یا غیربومی است.

تحلیل جزئی صادرات گمرکی:

* رشد ظاهری: ارزش صادرات گمرکی از ۲۳۱ میلیون دلار در ۱۴۰۱ به ۴۵۵ میلیون دلار در ۱۴۰۳ (رشد درصد ۹۷) و وزن آن از ۳۸۰ هزار تن به ۷۰۴ هزار تن (رشد درصد ۸۵) افزایش یافته است. این رشد، در شرایطی که اقتصاد ایران با تحریم ها، محدودیتهای لجستیک و نوسانات ارزی مواجه است، پرسش برانگیز است. * تمرکز بر سه کشور: ترکمنستان، قزاقستان و عراق مقاصد اصلی صادراتی بوده اند:

سال	کشور	ارزش (میلیون دلار)
1401	ترکمنستان	66
	قزاقستان	54
1402	عراق	32
	ترکمنستان	89
1403	قزاقستان	90
	عراق	57
	ترکمنستان	159
	قزاقستان	146
	عراق	45

سهم بخش های اقتصادی:

سال	بخش	ارزش (میلیون دلار)
1401	صنعت	105
	معدن	48
1402	کشاورزی	47
	معدن	73
	کشاورزی	94
	صنعت	179
1403	معدن	113
	کشاورزی	144

نقد: بخش قابل توجهی از صادرات گمرکی به کالاهای تولید شده در سایر استان ها مربوط است. این امر، تصویری غیرواقعی از توان صادراتی گلستان ارائه می دهد و زیرساخت های گمرکی و تولیدی استان را بیش از ظرفیت واقعی نشان می دهد.

تحلیل جزئی توان صادراتی:

* افت و نوسان عملکرد: توان صادراتی از ۱۳۴ میلیون دلار در ۱۴۰۱ به ۱۱۰ میلیون دلار در ۱۴۰۲ (افت درصد ۱۸) کاهش یافته و در ۱۴۰۳ به ۱۳۷ میلیون دلار رسیده، اما همچنان پایین تر از سطح ۱۴۰۱ است. این روند، برخلاف ادعاهای رشد مستمر، از ضعف در توسعه ظرفیت های صادراتی حکایت دارد. * سقوط ارزش افزوده: ارزش هر تن از ۵۸۹ دلار در ۱۴۰۱ به ۳۶۱ دلار در ۱۴۰۳ کاهش یافته، که نشان دهنده وابستگی به کالاهای خام یا کم ارزش (مانند محصولات کشاورزی فله ای یا مواد معدنی) است. * افزایش وزن غیرمتناسب: وزن توان صادراتی در ۱۴۰۳ به ۳۷۹ هزار تن (رشد درصد ۴۸ نسبت به ۱۴۰۲) رسیده، اما ارزش دلاری تنها درصد ۲۴ افزایش یافته، که سودآوری محدود برای اقتصاد استان را نشان می دهد.

پیامدهای شکاف:

این شکاف آماری، توان واقعی گلستان را پنهان کرده و با گمراه کردن سیاست گذاران، منابع را به سمت اولویتهای نادرست هدایت می کند. بزرگنمایی دستاوردها از طریق آمار گمرکی، ناکارآمدی در تقویت تولید داخلی و صادرات با ارزش افزوده بالا را کتمان کرده و فرصت های توسعه پایدار را به مخاطره می اندازد.

تحلیل تفکیکی واحدهای تولیدی و بازرگانی

بررسی صادرات واحدهای تولیدی و بازرگانی گلستان اطلاعات دقیق تری ارائه می دهد:

سال	بخش	ارزش (میلیون دلار)
1401	صنعت	105
	معدن	48
1402	کشاورزی	47
	صنعت	128
1403	کشاورزی	73
	صنعت	94
	معدن	179
	کشاورزی	113
	کشاورزی	144

تحلیل آماری:

* نقش کلیدی تولیدی ها: واحدهای تولیدی محور اصلی توان صادراتی گلستان هستند، اما کاهش ارزش هر تن (از ۶۰۹ به ۴۱۶ دلار) نشان دهنده افت ارزش افزوده محصولات صادراتی است.

* سقوط ارزش در بازرگانی: ارزش هر تن در بخش بازرگانی به ۲۴۶ دلار در ۱۴۰۳ سقوط کرده است. این افت-شدید، احتمال صادرات کالاهای کم ارزش یا ثبت غیرواقعی برای بهره مندی از مشوق های ارزی را مطرح می کند. * افزایش وزن غیرمنطقی در بازرگانی: رشد وزن صادرات بازرگانی (از ۱۷ به ۱۲۲ هزار تن) بدون افزایش متناسب ارزش، نشان دهنده ناکارآمدی و تمرکز بر کالاهای کم ارزش است. * نقد: کاهش ارزش هر تن در هر دو بخش، بیانگر ضعف در توسعه صنایع تبدیلی و تولید کالاهای با ارزش بالا است. عملکرد ضعیف بخش بازرگانی، به ویژه در ۱۴۰۳، نشان دهنده فقدان استراتژی مؤثر برای ارتقای صادرات است.

حیله گزارش های غیرواقعی: سدی در برابر توسعه گلستان

ارائه گزارش هایی که صادرات گمرکی را به عنوان دستاورد مستقیم گلستان معرفی می کنند، نیرنگی آماری است

که با هدف کارآمد نشان دادن مدیران ناکارآمد، واقعیت ها را کتمان می کند. این رویکرد، توسعه پایدار استان را به مخاطره انداخته و پیامدهای زیر را به دنبال دارد: ۱. گمراهی سیاست گذاران: بزرگ نمایی صادرات گمرکی، سیاست گذاران را به سمت اولویتهای نادرست سوق می دهد. به جای سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی و تقویت تولید داخلی، منابع به پروژه های نمایشی اختصاص می یابد. ۲. تضعیف اعتماد عمومی: ادعاهای غیرمستند درباره رشد صادرات، اعتماد فعالان اقتصادی و مردم را به نهادهای مسئول خدشه دار می کند و انگیزه سرمایه گذاری در بخش های مولد را کاهش می دهد. ۳. کتمان ناکارآمدی ها: گزارش های غیرشفاف، ضعف هایی مانند کاهش ارزش افزوده، وابستگی به بازارهای محدود و ناکارآمدی زیرساختهای گمرکی را پنهان می کنند و مانع اصلاحات ساختاری می شوند. ۴. فرصت سوزی توسعه: با تمرکز بر آمارسازی، فرصتهای گلستان برای تبدیل شدن به قطب صادراتی منطقه از دست می رود. منابع و انرژی استان به جای حل مشکلات واقعی، صرف توجیه عملکرد ضعیف می شود. ۵. تضاد با سیاستهای کلان: این نیرنگ، در تضاد با فرمایشات مقام معظم رهبری درباره ضرورت ارائه گزارشهای شفاف و واقعی قرار دارد و روحیه جهادی برای توسعه اقتصادی را تضعیف میکند. از اینرو این گزارشهای غیرواقعی، مانند سادی در برابر توسعه گلستان عمل میکنند. چراکه با کتمان واقعیهایی نظیر افت ارزش افزوده و ضعف در تولید، نه تنها سیاست گذارها گمراه میشوند، بلکه اعتماد عمومی و انگیزه برای پیشرفت اقتصادی کاهش می یابد.

چالش های کلیدی

۱. تناقض آماری: شکاف ۳۱۸ میلیون دلاری بین صادرات گمرکی و توان صادراتی در ۱۴۰۳، نشان دهنده ثبت کالاهای غیربومی یا احتمال دستکاری داده هاست. ۲. کاهش ارزش افزوده: افت درصد ۳۹ ارزش هر تن توان صادراتی، بیانگر ضعف در تولید کالاهای با ارزش بالا و مغایرت با اهداف اقتصاد مقاومتی است. ۳. وابستگی به بازارهای محدود: تمرکز بر ترکمنستان، قزاقستان و عراق، ریسک پذیری صادرات گلستان را در برابر تغییرات سیاسی یا اقتصادی این کشورها افزایش می دهد. ۴. فقدان شفافیت: ادعاهای غیرمستند درباره رشد صادرات، بدون ارائه داده های تفکیکی و قابل راستی آزمایی، اعتماد به گزارش های رسمی را تضعیف می کند. ۵. ناکارآمدی مدیریتی: بزرگ نمایی دستاوردها، ناکارآمدی برخی مدیران در تقویت تولید و صادرات واقعی را پنهان می کند و مانع از پاسخگویی آنها می شود. ۶. ضعف زیرساختی: زیرساخت های گمرکی و لجستیک گلستان با حجم صادرات اعلام شده همخوانی ندارد، که احتمال ترانزیت کالاهای غیربومی را تقویت می کند.

پیشنهادهای کارشناسی

برای رفع موانع و تحقق پتانسیلهای صادراتی گلستان، اقدامات زیر پیشنهاد می شود: ۱. شفافیت آماری: تفکیک دقیق صادرات گلستان از سایر استانها در گزارش های گمرکی و انتشار داده های قابل راستی آزمایی از طریق سامانه های عمومی. ۲. ارتقای ارزش افزوده: سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی کشاورزی (مانند فرآوری محصولات زراعی) و توسعه زنجیره های تولید صنعتی برای تولید کالاهای با ارزش بالاتر. ۳. تنوع بخشی به بازارها: گسترش روابط تجاری با کشورهای جدید در اوراسیا، خلیج فارس و آفریقا برای کاهش وابستگی به بازارهای محدود و افزایش تاب آوری اقتصادی. ۴. نظارت هوشمند: ایجاد سامانه یکپارچه برای پایش زنجیره صادرات از تولید تا ترخیص، به منظور جلوگیری از ثبت غیرواقعی و افزایش شفافیت. ۵. اصلاح مدیریت: بازنگری در عملکرد مدیران مسئول و کنار گذاشتن افرادی که با گزارش های غیرشفاف اعتماد عمومی را خدشه دار می کنند. ۶. تقویت زیرساخت ها: توسعه زیرساخت های گمرکی و لجستیک، از جمله بهبود حمل و نقل ریلی و جاده ای، برای افزایش ظرفیت واقعی صادرات استان. ۷. حمایت از تولید: ارا ثه مشوق های هدفمند به واحدهای تولیدی برای توسعه فناوری، ارتقای کیفیت محصولات و رقابت در بازارهای جهانی.

نتیجه گیری

مقایسه جامع صادرات گمرکی و توان صادراتی گلستان نشان می دهد که رشد اعلام شده در صادرات، عمدتاً به ثبت کالاهای غیربومی در گمرکات استان وابسته است. توان صادراتی واقعی، با چالشهایی نظیر کاهش درصد ۳۹ ارزش هر تن، وابستگی به کالاهای کم ارزش و تمرکز بر بازارهای محدود مواجه است. گزارش های غیرواقعی، با بزرگ نمایی دستاوردها و کتمان ناکارآمدی ها، مانند سدی در برابر توسعه پایدار گلستان عمل می کنند. این نیرنگ آماری، نه تنها سیاست گذاران را گمراه می کند، بلکه اعتماد عمومی را تضعیف کرده و فرصتهای این استان برای تبدیل شدن به قطب صادراتی منطقه را به مخاطره می اندازد. گلستان، با ظرفیت های بی نظیر در کشاورزی، صنعت و معدن، میتواند با شفافیت، صداقت و برنامه ریزی واقع بینانه، به جایگاهی شایسته در تجارت خارجی ایران دست یابد. تحقق این هدف، نیازمند عزم جدی مسئولین برای اصلاح رویه های نادرست، پاسخگویی مدیران، تقویت زیرساختها و همکاری فعالان اقتصادی است. تنها با کنارگذاشتن مدیران ناکارآمد و آمارسازی و تمرکز بر واقعیت ها می توان آینده ای روشن برای گلستان و جذب سرمایه گذاری برای تولید، ترسیم کرد.



اندیشه‌ی چپ فرهنگی بود، و می‌بایست بیرون از دسته‌بندی‌های سیاسی به کار دانش‌ورانه بپردازد. با هم‌این راه‌نمایی‌ها بود که شماری از دانش‌وران برجسته‌ی ایرانی، مانند آریان‌پور، شرف خراسانی، مهرداد بهار، و ... از پیوستن به حزب خودداری کردند و پی‌آمدهای رنج‌بار دهه‌ی ۱۳۶۰ را از سر گذراندند. آریان‌پور حتی دوده‌پیش از آن، پیش‌نهاد جزنی را برای پیکربندی مارکسیستی مبارزه‌ی مسلحانه نپذیرفته بود. چپ در اندیشه‌ی آریان‌پور یا مهرداد بهار، گسترده‌تر از مارکسیسم آن‌هم از گونه‌ی راست‌کیشانه و حزبی بود.

نبود و فروتنانه آن‌ها را گرفتار سال‌خوردگی می‌خواند. پیش از سنجش پژوهش‌های‌اش، بایسته است بر پویایی روش‌شناسی کارهای او درنگ کنیم. هیله بلومنتال می‌نویسد هنگامی که دانست ا.ح.آ. به دنبال پرده‌برداری از قانون تحرک (دینامیسم) تاریخ است، و به او گفت این قانون را پیش از این دیگران یافته‌اند، پاسخ شنیده می‌خواهد به روش خود «به طور مستقل، تمام تاریخ را تفحص کند و ببیند بکجا می‌رسد.» او در نگرش به تمدن غربی با مرزگذاری میان علم و تکنولوژی در برابر استعمار، ره‌یافت بازنگرانه‌ای را پیش‌نهاد کرد که بسیار راه‌گشا بود. روش‌شناسی گذار از گسست‌ها به پیوستگی‌ها در کار او، مهرداد بهار، مسکوب، شایگان، جلال ستاری و ... راهی به شناخت دگرپرسی‌های تاریخ و فرهنگ گشود که در آن، شالوده‌های پژوهش در سنجش با داده‌های برآمده از تاریخ و فرهنگ ایران سامان می‌یابد. آریان‌پور داده‌های پایه‌ی پژوهش‌های خود را از گستره‌های تاریخ، ادبیات و تصوف برمی‌گزید. وارونه‌ی نگاه معلمان دانش‌کده‌ای، نگرش او به زبان‌نوشته‌های کهن، چند پایه‌ای بود. او متن را فرآورده‌ای فرهنگی – اجتماعی در زبان می‌نگریست، و از آن، درپچه‌ای به روی دگرگونی‌های اجتماعی باز می‌کرد. معلمان و آموزگاران دانش‌کده‌ای چرخش به سوی «مطالعات اجتماعی آثار ادبی و در مواردی جامعه‌شناسی ادبیات» را برنمی‌تافتند، و با این نگاه که «این‌گونه کارها، در جهان، بسیار نادر و دشواریاب است و با شبه تحقیقات شعارآمیز و کلی‌یافته‌های ژروئالیستی ... ارتباطی ندارد» (موسیقی شعر، بیست) به راه خود می‌رفتند. نگرش آریان‌پور به ادبیات کلاسیک و تصوف، مانند مثنوی و غزلیات شمس در مرز میان ستایش و سنجش، ژرف و بالنده بود. با شرح انگلیسی نیکلسون بر مثنوی، نیک آشنا بود؛ چنان که فروزان‌فر در شرح مثنوی، خود را بی‌نیاز از راه‌نمایی‌های او نمی‌دید، و در دیباچه‌ی کتاب نوشت: «در مواضع مشکل این کتاب (نیکلسون) از مساعدت دوست عزیز و دانشمند خود آقای دکتر حسین آریان‌پور بهره‌مند شده‌ام». بلومنتال در یادداشتی ا.ح.آ. را قهرمان هالتر، شاعر، نویسنده، سخنران پرتکاپو با سری پرشور، و ویژگی‌های ناسازگار؛ آدمی همه‌جانبه می‌خواند که در راه سرپلندی کشورش به کار می‌آید. نایب حسین کاشی، نیای بزرگ او و سهراب یکی از سران «یاقی‌گری» روزگار خود بود. با چنین پیشینه‌ای از توفان درون، ا.ح.آ. هم‌واره به سادگی، شکیبایی و دانیایی زیست. در کوران انقلاب ۱۳۵۷ چنان که خود می‌گفت پس از گفت‌وگو با احسان طبری، درخواست کیانوری را برای هم‌کاری با حزب نپذیرفت. از دید طبری، ا.ح.آ. یکی از سرمایه‌های برجسته‌ی

«

۸ مرداد، سال گرد خاموشی امیرحسین آریان‌پور زیستاری به آزادی

هادی راشد

امیرحسین آریان‌پور (۱۳۰۳-۱۳۸۰)، چهره‌ای چندسویه در گستره‌ی آموزش و پژوهش سده‌ی گذشته بود. آموزش‌های پایه‌ای خود را از سال ۱۳۳۳ آغاز کرد. گویا نخست کارشناسی علوم سیاسی خواند (پژوهش، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۳۳۴)، سپس فلسفه و علوم تربیتی از کارشناسی تا دکتری دانش‌گاه تهران؛ و هم‌هنگام با آن، کارشناسی و دکتری ادبیات فارسی را به پایان رساند. پایان‌نامه‌ی خود را زیر دست پرویز خانلری در مایه‌های سبک‌شناسی شعر و ادبیات فارسی پیش برد. بخشی از آن نیز بارها به چاپ رسیده است. پس از آن کارشناسی و دکتری علوم اجتماعی را در دانش‌گاه‌های بیروت و پرینستون گذراند. شماری از پژوهش‌ها و نوشتارهای او مانند در آستانه‌ی رستاخیز، فرویدیسیم، سبک‌شناسی هنر و ادبیات، و پژوهش در پیوند تنگاتنگ با تاریخ، فرهنگ و ادبیات است. در کتاب در آستانه‌ی رستاخیز (۱۳۳۰)، آگاهی‌های برگرفته از تاریخ و فرهنگ ایران را در کنار جهانی‌های دگرگونی تاریخی نهاد تا در ستیز با «تاریک‌اندیشی» نشان دهد دگرگونی اجتماعی گریزناپذیر است. در فرویدیسیم، به‌ویژه بخش‌های سمبولیسم (سمبول‌های اساسی)، رویاء، و بازی و هنر، نگرشی را به میان آورد که هنوز هم سرآغاز هر تکاپویی به ره‌یافت‌های بازنگرانه در شعر، ادبیات و هنر ایران از دید درون‌کاوی ساخت فرهنگی اجتماعی سنت است. با این همه، از کارهای آغازین‌اش خرسند

دوید و خود را بالای درخت رساند و سگها دور شدند . آسمان پر آفتاب دشت را نگاه کرد و عقابی غول پیکر را دید که بسوی او می آید. ناگهان از درخت پایین آمد و خود را به سنگلاخی زد . سنگلاخ خنک بود و چرتی زد اما فس فس و هش هش صدایی بیدارش کرد چشم باز کرد افعی را بالای سرش دید که قصد جانش کرده بود. به پایین جهید و تا ته دشت فرار کرد و در سکوتی خود را پاورچین پاورچین زیر درخت بلوط رساند همان درختی که لوطیش مرده بود. عتتر دست به دامن لوطی مرده اش شد عتتر گرسنه اش بود از شدت خماری به خود می‌لرزید اما لوطیش مرده بود .

این داستان حکایت مردمانیست که از مرگی و نابودی دیگری برای خود آزادی و آبادی می‌خواهند بدون اینکه بیاموزاند آزادی چیست . بسیاری با کفن کردن یک رهبر و یک عامل آزروی وطن و آبادی کردند بدون اینکه خود بدانند میانه آنها با آزادی چیست. ایران امروز حکایات سختی با خود حمل می‌کند با طی کردن تکاپویی صد ساله آزادی خواهی، مردمی هستیم که در دسته ها و گروههای متعدد و متنوع آزادی را نمی‌دانیم ولی آنرا می‌خواهیم. امروز ایران باید بداند که آزادی بها دارد بهایش در فهم آن هست. امروز ایران در تب عدم فهم آزادی می‌سوزد سواحلش پراز زباله . منابع آبش پایان یافته وکشاورزی بسیار ضد محیط زیستی دارد تصادفات جاده ی فراوان و مدیران بسیار فاسد و دور از فهم و جامعه و دانش. اصلاح خواهیش به تغییر صرف مدیران انجامید و اصول گراییش شده تف و لعنت به این و آن و بر تعصبات وهم آلودپایدار. دمکراسیش آدم ندارد و صندوقهای رایش باد و هواست آدمهایش پراکنده می‌اندیشند و اجماع بر فهم جمیع را بر نمی‌تابد . ایران نیاز به فهم آزادی دارد ازادی که ادمهایش به صرف ادمیزادی بحساب اینند نه هیچ قیدی دیگر .ورنه چون آن عتتر لوطی همواره باید میخ و زنجیر را با خود حمل کنیم دائم دست به دامن لوطی باشیم شاید هم مرده اش.

داشت و او را بر سر چهار راه‌ها و میادین برای معرکه گیری می‌برد. در میدان معرکه لوطی میگفت اه‌ای پدرسوخته پشتت را نشان بده. عتتر دستهایش را به زمین می‌گذاشت و پشتش را نشان می‌داد و جفتک میپرانند.

لوطی میگفت اه‌ای پدرسوخته چند تا زن میخوای عتتر رو به معرکه می‌کرد و عو عو کنان بر سینه میکوفت اه‌ای تریاک میخوای عتتر ادای کشیدن وافور در میاورد و موجب خنده معرکه میشد.

در دشت سوزان لوطی در حالی که زنجیر عتتر به دستش بود می‌گذشت چشمهای عتتر به انترهای ماده افتاد که با جفتشان آزاد در دشت سبز خرامیده بودند لوطی زیردرخت بلوط اطراق کرد و بساط چاشت و تریاک و وافور را پهن کرد. هر چند بار یکی هم به عتتر دود میزد. عتتر معتاد به تریاک بود. لوطی به خواب رفت و عتتر به لوطی نگاه می‌کرد در انتهای روشنی روز عتتر به چشمان ورز افتاده لوطی نگاه کرد. به چشمانی که عمری از او ترس و وحشت و دستور مییارید. چشمهای که میگفت .

ببینم پدرسوخته پشتک بزن. فلان فلان شده عو عو گریه کن. مادر قحبه برا معرکه پاتو هوا کن بعد شلاقی و میدان دیگر تا که لوطی قرآن قرآن از معرکه پول دارد . در آن دشت عتتر جفت گیری ماده عتترها را دیده بود. عتتر به چشمهای لوطی که سفیدی آن بیرون زده بود نگاه کرد و پیکر بی‌جان لوطی را تکان داد.

اما لوطی مرده بود .

عتتر ترسید ترسی که در او خوشحالی هم بود لوطیش با همه ستم و ترسش مرده بود

در تاریکی شب تلاش کرد که خود را آزاد کند اما موفق نشد هوا رو به روشنی بود عتتر توانست میخ طویله را از زمین بیرون در آورد و در خط مستقیم پا به فرار گذاشت. میخ و زنجیر بر گردنش سنگینی می‌کرد ته دشت گله ی گوسفندی را دید و خوشحال شد جنبنده ی آنجا جست. ناگهان سگهای گله بسوی او هجوم بردند. عتتر خسته تا ته دشت

«

لوطی و عتترش



علی رایج کفشگیری

داستان عتتری که لوطیش مرده بود را صادق چوبک در دهه ۲۰ منتشر کرد. داستان عتتری که در اسارت لوطی بود. لوطی بر گردن عتتر زنجیری

بررسی سر

ملیله‌ای از اسطوره

تعاملاتش با بانوی کیمونو، موجودی شیخ‌وار که او را وحشت‌زده می‌کند اما در نهایت به او کمک می‌کند تا با ترس‌هایش روبرو شود، دگرگونی قابل توجهی را تجربه می‌کند. این رابطه نقطه عطفی است، زیرا الجین اعتماد به نفس پیدا می‌کند و نسبت به تأثیرات ماوراءالطبیعه اطراف خود حساس‌تر می‌شود. بااین‌حال، تمایل او به پیروی از بانوی کیمونو، سؤالات اخلاقی را مطرح می‌کند، به‌ویژه زمانی که او در اقدامات نگران‌کننده‌ای مانند ربودن فاطیما تحت پوشش محافظت شرکت می‌کند. سقوط الجین به تاریکی، مضمونی گسترده‌تر را منعکس می‌کند، مبنی بر اینکه چگونه افراد می‌توانند در میان ناامیدی توسط امیدهای خود دستکاری شوند. او تجسم مبارزه بین حفظ انسانیت و تسلیم شدن در برابر فشارهای خارجی است و نشان می‌دهد که چگونه به‌راحتی می‌توان در چنین محیطی شیخ‌وار به ابهام اخلاقی



شخصیت‌های دیگر را ناامید می‌کند. ماهیت تدافعی او درک شخصیت او را پیچیده می‌کند، زیرا او هم قربانی بودن و هم عاملیت را تجسم می‌کند. درحالی‌که توسط نیروهای خارجی کنترل می‌شود، او با انتخاب‌های بد ابهام اخلاقی برای خود ایجاد می‌کند. انزوای سارا ناشی از وضعیت روانی او و یک رابطه بالقوه توهین‌آمیز با برادرش است که بر توانایی او در اعتماد به دیگران و ارتباط معنادار تأثیر می‌گذارد. تنش زمانی تشدید می‌شود که سارا به دلیل اطاعت بی‌چون و چرا از صداها به‌عنوان یک تهدید تلقی می‌شود و بی‌اعتمادی را در میان گروه تقویت می‌کند. این ادراک فضای کلی پارانوایا را در شهر تقویت می‌کند. نقش او نشان می‌دهد که چگونه تروما درک واقعیت را تحریف می‌کند و منجر به تصمیمات مخرب می‌شود.

فاطیما

شخصیت فاطیما با بارداری غیرمنتظره‌اش، که نشان‌دهنده پیوند عمیق‌تری با نیروهای شیطانی شهر است، دگرگونی تاریکی را تجربه می‌کند. ناباروری قبلی او و سپس این بارداری غیرقابل توضیح، نشان می‌دهد که او در حال تبدیل شدن به ظرفی برای چیزی پلید است و نماد فساد و دگرگونی است. تولد یک هیولا نشان می‌دهد که آنچه در درون او رشد می‌کند، صرفاً یک کودک نیست، بلکه تجلی تاریکی شهر است. اشتیاق او به غذاهای فاسد، نمادی از انحطاط بشریت و پذیرش واقعیت‌های وحشتناک است و نشان‌دهنده از دست دادن امید و پذیرش یأس است. این سقوط با مضامین گسترده‌تر بقا و فساد اخلاقی در این مجموعه هم‌خوانی دارد. تجربیات فاطیما با اساطیر سلطنتی، به‌ویژه شخصیت آنکو، که هم راهنمای ارواح و هم پیشگویی مرگ است، هم‌خوانی دارد. فاطیما مانند آنکو، به‌عنوان ظرفی برای تاریکی، نماد دوگانگی زندگی و مرگ است. موجود وحشتناکی که او به دنیا می‌آورد، نمادی از سرنوشت اجتناب‌ناپذیر تمام ساکنان شهر است و با جمع‌آوری بی‌ملاحظه ارواح توسط آنکو، هم‌خوانی دارد. بنابراین، سفر فاطیما، مضامین مادر بودن و وحشت را در هم می‌تنبد و شکنندگی زندگی در میان مرگ فراگیر را برجسته می‌کند.

ویکتور

ویکتور شخصیتی رمزآلود با رفتاری کودکانه و ارتباط قوی با عناصر ماوراءالطبیعه شهر است. به‌عنوان ساکن طولانی ملت، او منبع مهمی از دانش در مورد اسرار آن است. ظاهر ساده و شیوه زندگی منزوی او با نقاشی‌های ملادی رنگی‌اش که آسیب‌های روحی را از طریق صحنه‌های نگران‌کننده مرتبط با تجربیاتش بیان می‌کند، در تضاد است. شخصیت ویکتور ترکیبی از استقامت و آسیب‌پذیری است. با وجود آسیب‌های روانی ناشی از از دست دادن مادرش و خواهرش اندکی پس از ورود او همچنان مهربان و همدل، به‌ویژه نسبت به پسر ایتان، جیم و تابیتا است. دوستی آنها نشان‌دهنده غریز محافظت‌گرانه و تمایل او به هدایت دیگران از طریق خطر است. تعاملات ویکتور با ایتان نشان می‌دهد که او درک عمیقی از وقایع ترسناک شهر دارد، از جمله دیدن پسر سفیدپوش در لحظات بحرانی. اعمال او اغلب بیانگر بی‌گناهی همراه با پیش‌بینی‌های بد است؛ به‌عنوان مثال حفر قبر در حیاط، ساکنان را غافلگیر می‌کند، اما نشان‌دهنده آگاهی او از مرگ است. هشدارهای رمزآلود ویکتور در مورد تغییرات محیطی، نقش او را به‌عنوان ناظر بر نیروهای ماوراءالطبیعه برجسته می‌کند. او تجسمی از مضامین بقا و از دست دادن است، با دیدگاه کودکانه‌اش که در تضاد شدیدی با واقعیت‌های تلخ مردم شهر قرار دارد.

الجین

الجین شخصیتی پیچیده است که مضامین آسیب‌پذیری و مبارزه برای استقلال در محیط ترسناک شهر را تجسم می‌بخشد. او در ابتدا مهربان است، اما پیش‌بینی‌های وحشتناک و کابوس‌هایی را تجربه می‌کند که ارتباط عمیق‌تری را با نیروهای تاریک شهر آشکار می‌کند. الجین از طریق

بوید

بوید شخصیتی چندوجهی است که در روایت سریال نقش محوری دارد و مضامین رهبری، اخلاقی و مبارزه شخصی را در بر می‌گیرد. او به‌عنوان یک رهبر طبیعی، اغلب در طول بحران‌ها مسئولیت را بر عهده می‌گیرد و با ابراز وجود در همدلی با دیگران تلاش می‌کند. بوید با بار مسئولیت‌های خود دست و پنجه نرم می‌کند و به مرگ و میر خود و آینده جامعه‌اش فکر می‌کند و نگرانی خود را در مورد جانشینی در نقش‌های رهبری ابراز می‌کند. معضلات اخلاقی برای شخصیت او محوری است. او تلاش می‌کند تا آنچه را که درست است انجام دهد اما با چالش‌هایی روبرو است که مرزهای اخلاقی او را آزمایش می‌کند. درگیری‌های داخلی بوید نگرانی او را هم در مورد تهدیدات فوری و هم عواقب بلندمدت تصمیماتش برجسته می‌کند. داستان پس‌زمینه او آسیب‌های گذشته را نشان می‌دهد که جهان‌بینی و انگیزه‌های او را شکل می‌دهد، به‌ویژه در تعاملات او با شخصیت‌هایی مانند مارتین، جایی که او وفاداری و شفقت را در میان هرج و مرج نشان می‌دهد. از نظر روانشناختی، بوید ویژگی‌هایی شبیه به کهن‌الگوهای کاراگامی کلاسیک از خود نشان می‌دهد، اما بر کار گروهی بر فردگرایی تأکید دارد. او همکاری در تیم خود را تقویت می‌کند و بر اهمیت جامعه به غلبه بر ناملرامات تأکید می‌کند. مخاطبان با پیچیدگی بوید به‌عنوان یک قهرمان معیوب درحالی‌که به‌ذنبال عدالت است با شیاطین شخصی مبارزه می‌کند طنین‌انداز می‌شوند و بینندگان را دعوت می‌کند تا در مورد انتخاب‌های اخلاقی خود تأمل کنند و او را به چهره‌ای مهم در روایت‌های تلویزیونی معاصر تبدیل می‌کند.

تابیتا

تابیتا شخصیت پیچیده‌ای است که سفرش مضامین غریزه مادری، شجاعت و جستجوی حقیقت را بررسی می‌کند. عزم او در اقداماتش مشهود است، مانند حفر گودال در خانه‌اش و بازدید از فانوس دریایی، هر دو با هدف کشف اسرار پیرامون خانواده‌اش. تابیتا که در ابتدا به‌عنوان یک مادر محافظ که نگران امنیت خانواده‌اش در یک محیط خطرناک است، معرفی شد، در مواجهه با نیروهای ماوراءطبیعی تکامل می‌یابد و انعطاف‌پذیری و نگرش فعالانه‌ای را به نمایش می‌گذارد. تصمیم او برای حفاری نمادی از ناامیدی او برای افشای حقایق پنهان در مورد شهر و نیروهای بدخواه آن است. این عمل نشان‌دهنده تلاش او برای دانش، رویارویی با آسیب‌های گذشته و میل به تجدید در میان هرج و مرج است. به‌طور مشابه، سفر او به فانوس دریایی نشان‌دهنده اوج تلاش او برای درک است، جایی که او هم با تهدیدات بیرونی و هم با ترس‌های درونی روبرو می‌شود. مواجهه با پسر سفید پوش ارتباط او با ماوراءطبیعی را برجسته می‌کند و دخالت در روایتی بزرگ‌تر از زندگی‌های گذشته را نشان می‌دهد. شخصیت تابیتا عمیقاً ریشه در غریز مادرانه دارد. طبیعت محافظ او را وادار می‌کند تا همه چیز را برای امنیت فرزندانش به خطر بیندازد. همان‌طور که او اسرار شهر را کشف می‌کند، با انتخاب‌هایی روبرو می‌شود که نیاز به فداکاری شخصی برای خیر بیشتر دارد و حفظ خود را با نوع دوستی در طول سریال متعادل می‌کند.

سارا

سارا یک شخصیت دوقطبی در From است که به‌دلیل انگیزه‌ها و اقدامات پیچیده‌اش واکنش‌های مختلفی را برانگیخته است. قوس شخصیتی او دستکاری، مبارزه روانی و ابهام اخلاقی را بررسی می‌کند. سارا که آشفته به تصویر کشیده می‌شود، صداهایی را می‌شنود که او را به سمت خشونت وادار می‌کند، نگرانی‌هایی را در مورد سلامت روانی او ایجاد می‌کند، که احتمالاً نشان‌دهنده اسکیزوفرنی پارانوئید است. این صداها او را به این باور می‌رساند که کشتن یک پسر برای نجات برادرش و دیگران ضروری است و ناامیدی و تمایل او برای قربانی کردن خود را برجسته می‌کند، اگرچه استدلال او اغلب بینندگان و



سید حمید شریف نیا

«From» یک سریال ترسناک علمی تخیلی است که در ۲۰ فوریه ۲۰۲۲ پخش شد. این فیلم درباره ساکنان یک شهر مرموز در ایالات متحده است که در به دام شهر افتاده‌اند و در تلاش برای حفظ شرایط و راه نجاتی هستند درحالی‌که با تهدیدات وحشتناک جنگل اطراف روبرو هستند و اسرار دام افتادن خود را کشف می‌کنند. تم آغازین From دارای یک کاور دلهره‌آور از Que Sera Sera (هر چه خواهد بود، خواهد بود) توسط Pixies است که به‌طور قابل توجهی به فضای سریال را کیفیت می‌بخشد. اجرای تاریک‌تر آنها آهنگ کلاسیک را به یک قطعه غم‌انگیز تبدیل می‌کند و با مضامین عدم اطمینان و ترس وجودی همسو می‌شود. آوازهای عمیق و طنین‌انداز مالدیخولیایی را تلغی می‌کند که یادآور با وزن احساسی‌اش یادآور لئونارد کوهن است. چیدمان دستگاهی مینیمالیستی، با گیتارهای نرم و صداها و هم‌آواز، جلوه‌های بصری ناراحت‌کننده را تکمیل می‌کند. اشعار منعکس‌کننده مضامین سرنوشت و ناشناخته‌ها است و با شخصیت‌هایی که در شهری مرموز به دام افتاده‌اند طنین‌انداز می‌شود و بر درماندگی آنها در برابر نیروهای ماوراءطبیعی تأکید می‌کند.

تحلیل برخی از نمادها و شخصیت‌ها در سریال From

نمادهایی مانند فانوس دریایی، درختان تزیین‌شده با شیشه و نقاشی‌های ویکتور، طرزی غنی از معنا را به وجود می‌آورد که به اساطیر سلطنتی، به‌ویژه شخصیت آنکو، مرتبط است. فانوس دریایی نماد امید و خطر است و شخصیت‌ها را به سوی نجات یا خطر هدایت می‌کند. درختان شیشه‌ای نماد شکنندگی و گرفتاری هستند و نقش آنکو را به‌عنوان جمع‌آورنده ارواح منعکس می‌کنند. نقاشی‌های ویکتور، آشفستگی درونی او و بررسی شرایط انسانی را منعکس می‌کنند، درحالی‌که درختان نماد مانع بین زندگی و مرگ هستند و چرخه وجود را به مرگ گره می‌زنند. سنگ‌های طلسم، مبارزات شخصیت‌ها و ارتباط آن‌ها با فراطبیعی را بیشتر نشان می‌دهند و تم‌های حفاظت و راهنمایی را در رابطه پیچیده آن‌ها با زندگی و مرگ تجسم می‌بخشند. سنگ‌های طلسم که از نیروهای شیطانی محافظت می‌کنند، و با باورهای سنتی که انرژی‌های منفی را جذب می‌کنند، هم‌سو هستند. آن‌ها همچنین امکان برقراری ارتباط با موجودات فراطبیعی را فراهم می‌کنند و به‌عنوان واسطه در درک محیط ترسناک عمل می‌کنند. ارتباط هر شخصیت با طلسم خود، نشان‌دهنده وضعیت احساسی آن‌هاست؛ به عنوان مثال، یک شخصیت گمشده ممکن است از طریق سنگ خود به امید دست یابد. این نشان می‌دهد که طلسم‌ها به‌عنوان منابع آرامش و قدرت عمل می‌کنند. اهمیت آن‌ها به اساطیر سلطنتی، به‌ویژه شخصیت‌هایی مانند آنکو، که ارواح را هدایت می‌کرد و نماد مرگ بود، مرتبط است، که نشان می‌دهد سنگ‌های طلسم راهنمایی برای شخصیت‌هایی هستند که با سرنوشت خود روبرو می‌شوند.

بال From

۵، دین و خاطره

دار که بازتاب‌دهنده مضامین فولکلور است که در آن شخصیت‌های بی‌گناه، نیت‌های تیره دارند. او شبیه یک روح نگهبان اسطوره‌ای است که در پیمایش خطر کمک می‌کند. او به‌عنوان راهنمای ویکتور در حوادث آسیب‌زاه، نمادی از یک حامی آرکی تیبی است، مشابه شخصیت‌های اسطوره‌ای مانند هرمس. انگیزه‌های مبهم او، مانند هل دادن تابیتا از پنجره فانوس دریایی، هم هدایت و هم هرج و مرج را تجسم می‌دهد و شخصیت‌ها و مخاطبان را در مورد نیت‌های واقعی او به پرسش وا می‌دارد. رفتار شبیح گونه او ممکن است از ارواح پس از مرگ مانند یوری در فولکلور ژاپنی یا آنکو در اساطیر برتون الهام گرفته باشد.

مرد زردپوش

مرد زردپوش یک دشمن اصلی با انگیزه پیچیده است که تأثیر قابل توجهی بر ساکنان شهر می‌گذارد.



او به‌عنوان رهبر موجودات ماوراءالطبیعه، می‌تواند در روز راه برود که او را به نیرویی سهمگین تبدیل می‌کند. ارتباط او با مرگ جیم به‌ویژه قابل توجه است؛ پس از اینکه جیم رازهای مربوط به همسرش، تابیتا و گلشنه جید را کشف می‌کند، مرد زردپوش با او روبرو می‌شود و می‌گوید: «همسرت نباید آن گودال را حفر می‌کرد»، سپس او را به‌طرز وحشیانه‌ای می‌کشد. این لحظه، نقش او را به‌عنوان پیشگویی بدبختی برای کسانی که به‌دنبال رازهای شهر هستند، برجسته می‌کند و تأکید می‌کند که دانش با قیمتی همراه است. او نسبت به شخصیت‌هایی مانند تابیتا و جید، که به قربانی‌های کودکانه گذشته برای جاودانگی مرتبط هستند، حساس است و مصمم است از کشف حقایقی که می‌توانند وضعیت موجود شهر را مختل کنند، جلوگیری کند. بر خلاف پسر

سفیدپوش که نمادی از امید است، مرد زردپوش تجسم هرج و مرج و شر است و با تلاش ساکنان برای فرار از سرنوشت خود مخالفت می‌کند. عبارت «آتش یا قیمتی همراه است» نشان‌دهنده روابط قدرت در این مجموعه و خطرات جستجوی دانش است که هنجارها را به چالش می‌کشد. شخصیت او از شخصیت‌های اسطوره‌ای مرتبط با هرج و مرج یا شر، مانند هاستور از آثار اچ.پی. لاکرفت، الهام گرفته است و نقش او را به عنوان تجسم ترس و عدم اطمینان در شهر تقویت می‌کند.

ارتباط بین اساطیر و سریال From با تمرکز بر اساطیر سلتییک (Celtic) یا سلتی

سریال From از اساطیر مختلف، به‌ویژه اساطیر سلتی نشأت می‌گیرد. این ارتباط در مضامین، شخصیت‌ها و ساختارهای روایی آن که با داستان‌های کهن طنین‌انداز می‌شود، اساطیر سلتی شامل مجموعه‌ای از خدایان و الهه‌ها، مانند **Tuatha Dé Danann** است که جنبه‌هایی از طبیعت و تجربه انسانی را تجسم می‌بخشد. سریال این ویژگی‌های الهی را در شخصیت‌های خود منعکس می‌کند و به عمق اسطوره‌ای می‌افزاید. مرکز باور سلتی‌ها جهان دیگر است، قلمروی از مردگان که در آن زمان رفتار متفاوتی دارد. این موضوع در **From** منعکس شده است، به‌عنوان یک منظره اسرارآمیز که با ایده جهان‌های موازی همسو است. مضامین تولد دوباره و دگرگونی در اساطیر سلتی رایج است که با چهره‌هایی مانند کو چولاین (**Cù Chulainn**) و ایتین (**Etain**) نمونه‌ای از آنهاست. طبیعت نقشی حیاتی در داستان‌های سلتییک ایفا می‌کند که نماد چرخه‌های زندگی و سفرهای معنوی است. محیط‌های **From** دارای جزئیات فراوان و آغشته به معنای نمادین هستند که نشان‌دهنده این احترام به طبیعت است. شخصیت‌های سریال به جست‌وجوی‌های قهرمانانه شبیه به اسطوره‌های سلتییک می‌پردازند و با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که قدرت و اراده آن‌ها را محک می‌زند. این مجموعه همچنین دارای موجودات افسانه‌ای است که از داستان‌های سلتی الهام گرفته‌اند و حس شگفتی و خطر را تقویت می‌کنند. دوگانگی – نور در مقابل تاریکی و زندگی در برابر مرگ– یک موضوع رایج در اسطوره‌های سلتی است و در **From** منعکس شده است، جایی که شخصیت‌ها با ابهامات اخلاقی و معضلات وجودی روبرو می‌شوند. سرنوشت یکی دیگر از موضوعات تکرارشونده است، با شخصیت‌هایی که اغلب با سرنوشت خود روبرو می‌شوند و یادآور چگونگی بافتن رشته‌های زندگی در افسانه‌های سلتی، چهره‌هایی مانند سرنوشت است. ادغام عناصر فولکلور به داستان‌سرایی سریال اصالت می‌بخشد، شبیه به این که اسطوره‌های سلتییک به‌طور سنتی قبل از ثبت به‌صورت شفاهی به اشتراک گذاشته می‌شدند. هر دو اساطیر سلتییک و **From** از نظر فرهنگی با مخاطبان طنین‌انداز می‌شوند و تاریخ مشترک و حافظه جمعی را تداعی می‌کنند که تعامل بیننده را غنی می‌کند.

Anghkooley

کلمه معمایی **Anghkooley** که توسط کودکان در سریال تلویزیونی **From** به زبان می‌آید، با طنین مهیج و لایه‌های پر رمز و راز مخاطبان را مجذوب خود می‌کند. **Anghkooley** که در فصل سوم سریال به معنای «به‌خاطر بسپار» آشکار شد، بیش از یک شعار ساده عمل می‌کند. مضامینی را در بر می‌گیرد که ریشه در اسطوره‌ها، مذهب و حافظه جمعی دارند. ماهیت خاطره‌انگیز آن ارتباطی با نیروهای باستانی را نشان می‌دهد، که تجسم مبارزه انسانی برای حفظ گذشته و درک نادیده است. این کلمه، بسیار شبیه به خود سریال، روایتی را می‌یابد که چارچوب‌های فرهنگی و معنوی متنوعی را در بر می‌گیرد. نقش **Ankou** در اساطیر سلتییک به‌عنوان محافظ مردگان و فال مرگ با عملکرد هیولاها در سریال **From** نزدیک است. **Ankou** به جمع‌آوری ارواح و راهنمایی آنها به زندگی پس از مرگ معروف است، که اغلب موبدانه در مقابل درخانه یا پنجره کسانی که در شرف مرگ هستند ظاهر می‌شود و تجسم

کشتن

رویکردی اجتناب‌ناپذیر و در عین حال محترمانه به مرگ است. به‌طور مشابه، هیولاها در **From** حضوری ترسناک از خود نشان می‌دهند، درها را می‌کوبند و بیرون پنجره‌ها می‌ایستند، که نشان‌دهنده نقش آنها به‌عنوان منادی مرگ است. همانطور که **Ankou** به سختی مسئولیت خود را انجام نمی‌دهد–بلکه به سادگی وظیفه خود را انجام می‌دهد–هیولاها در تعقیب قربانیان خود به‌صورت مودب رفتار دلخراشی از خود نشان می‌دهند که منعکس‌کننده حس ترسناکی از اجتناب‌ناپذیری است. هر دو شخصیت بدون توجه به درخواست‌ها یا وعده‌ها عمل می‌کنند و تأکید می‌کنند که مرگ سرنوشتی غیرقابل گریز است. این ارتباط با این تصور عمیق‌تر می‌شود که آنکو می‌تواند همه چیز را ببیند و بشنود، شبیه به این که چگونه هیولاها در شهر همه جا حضور دارند و طعمه‌های خود را مشاهده و تعقیب می‌کنند. علاوه بر این، فراگیر بودن **Ankou** –جمع‌آوری ارواح از همه طبقات زندگی– بازتابی از بازرگان مختلف شخصیت‌ها در سریال **From** است که هر کلام با فناپذیری خاص خود روبرو هستند. نمادگرایی پیرامون داستان‌های **Ankou**، مانند جاده مسدودشده که نشان‌دهنده به دام افتادن است، با مبارزات شخصیت‌ها در سریال **From** طنین‌انداز می‌شود و نشان می‌دهد که آنها در چرخه مشابهی از زندگی و مرگ گرفتار شده‌اند. در نهایت، آنکو و هیولاها هر دو به‌عنوان یادآور مرگ هستند و شخصیت‌ها را به سمت رویارویی اجتناب‌ناپذیر با سرنوشت خود هدایت می‌کنند. روایات مذهبی بر تقدس حافظه تأکید دارند، همانطور که در مسیحیت، حیثیت یکارست تجسم فرمان مسیح برای انجام این کار به یاد می‌است. به‌طور مشابه، تورات از پیروان می‌خواهد که وقایع مهمی مانند شبات و خروج را به خاطر آورند، و ایمان و هویت را تقویت کنند. در سریال اصطلاح انگکوئی بازتاب این دستورات مذهبی است و از شخصیت‌ها می‌خواهد که چیزی اساسی را برای نجات خود به‌خطر آورند. کودکان این کلمه را زمزمه می‌کنند و به‌عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که حقیقت مقدس پنهانی را منتقل می‌کنند، که یادآور مضامین کتاب مقدس است که در آن کودکان پیام‌های الهی را ابلاغ می‌کنند. سنت‌های شفاهی از گذشته، میراث فرهنگی و حافظه جمعی را حفظ کرده‌اند. افسانه‌ها اغلب شامل کلمات یا عباراتی با معانی محافظتی یا آشکارکننده هستند، مانند سرودهای جادویی در افسانه‌های آرتور که از اشیا مانند اسکاللیبور محافظت می‌کردند. در این زمینه، انگکوئی به‌عنوان یک وسیله یادآوری عمل می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که دانش حیاتی از طریق تکرار رمزالود آن حفظ می‌شود. مفهوم آرکی‌تایپ‌های یونگ –نمادهای اولیه در ناخودآگاه جمعی– نقش انگکوئی را بیشتر روشن می‌کند. ترانه‌های کودکان ممکن است قطعاتی از داستان‌های فراموش شده یا هشدارهایی را که به حافظه جمعی جامعه‌شان مربوط می‌شود، در بر بگیرند.

ارتباط اساطیر سلتییک و آنکو Celtic (Mythology and Ankou)

اصطلاح **Anghkooley** شباهت زیادی به **Ankou** دارد، شخصیت مهمی در فرهنگ عامه سلتییک که با مرگ و زندگی پس از مرگ مرتبط است. **Ankou** به‌عنوان یک راهنمای طیفی برای انتقال روح به قلمرو بعدی، تجسم مضامین فناپذیری و یادآوری، به‌ویژه در اساطیر برتون، به تصویر کشیده شده است. آنکو معمولاً به‌عنوان چهره‌ای قد بلند و اسکلتی با کت سیاه و کلاه لبه‌دار، اغلب با داس به تصویر کشیده می‌شود. تصاویری که با تصاویر اروپایی مرگ، مانند گرم رپر همسو می‌شود و در عین حال باورهای خاص سلتی را منعکس می‌کند. در فرهنگ عامه برتون، آنکو به‌عنوان جمع‌آوری روح عمل می‌کند و گاری را که توسط اسب‌های سیاه کشیده می‌شود را می‌راند تا متوفی را به سلامت از طریق برزخ راهنمایی کند. این نقش به موازات موجود اسرارآمیز سریال **From** است که روح‌ها را جمع‌آوری می‌کند و زندگی و مرگ را در محدوده خود اداره می‌کند. یکی از جنبه‌های قابل توجه افسانه آنکو این است که او آخرین روحی می‌شود که قبل از نیمه شب شب سال نو در

روستایی می‌میرد و به ملت یک سال به‌عنوان نگهبان قبرستان به زمین بسته می‌شود. این طبیعت چرخه‌ای منعکس‌کننده باورهای سلتییک در تناسخ است و در **From** منعکس می‌شود، جایی که شخصیت‌ها ویژگی‌های محافظتی از خود نشان می‌دهند و با برخورد‌های مکرر با مرگ مواجه می‌شوند. در نهایت، آنکو مظهر ترس و ترحم است، زیرا او مرگ را نشان می‌دهد و دارای جنبه تراژیک مربوط به نقش ابدی خود است. شخصیت‌های سریال **From** با ترس‌های خود از مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند و برای کسانی که گم شده‌اند یا به دام افتاده‌اند دلسوزی نشان می‌دهند و این دوگانگی را منعکس می‌کنند. ماهیت چرخه‌ای وجود آنکو با رویدادهای تکراری در **From** طنین‌انداز می‌شود که نشان می‌دهد یادآوری ممکن است قفل رهایی‌یادرک را باز کند، که توسط همراهان شبیح‌آمیز **Ankou** که مرزهای بین زندگی و مرگ را محو می‌کند، بیشتر تأکید شده است.

ارتباط متقابل بین آنکو و ویکتور/بین آنکو،

کلاغ والجین/بین Ankou و کلاغ

رابطه متقابل بین آنکو و ویکتور مضامین محافظت و مرگ را برجسته می‌کند، زیرا هر دو شخصیت مظهر قیومیت بر زندگی و مرگ هستند. آنکو روح‌ها را جمع‌آوری می‌کند، درحالی‌که ویکتور تلاش می‌کند تا از جامعه خود در برابر تجاوز مرگ محافظت کند و بین نقش‌های آن‌ها شباهت‌هایی ایجاد کند. قابل ذکر است، ویکتور که در کودکی شاهد کشتار شهر خود بوده، ارواح را نیز جمع‌آوری و دفن می‌کند و روایت‌های آنها را بیشتر در هم می‌آمیزد. ماهیت چرخه‌ای هستی یک موضوع برجسته در افسانه‌های آنکو است، جایی که او تا زمانی که روح دیگری جای او را بگیرد، در آنجا باقی می‌ماند. این منعکس‌کننده تجربیات ویکتور در سریال **From** است، جایی که شخصیت‌ها اغلب با چرخه‌های تکراری زندگی و مرگ مواجه می‌شوند. هر دو شخصیت بر پیامدهای اخلاقی اعمال خود تأکید می‌کنند. بی‌احترامی به آنکو منجر به عواقب بدی می‌شود، درست همانطور که انتخاب‌های ویکتور به‌طور قابل توجهی بر خود و اطرافیانش تأثیر می‌گذارد. ارتباط بین آنکو و کلاغ عمیقاً در اساطیر سلتی ریشه دارد، جایی که هر دو نماد مرگ و گذار به زندگی پس از مرگ هستند. این رابطه از طریق شخصیت الجین در فیلم **From** بررسی می‌شود، به‌ویژه در رابطه با تجربه او با حمله کلاغ به اتاقش. در افسانه‌های سلتی، کلاغ‌ها به‌دلیل ماهیت لاشخویشان با مرگ مرتبط هستند و اغلب در میلان‌های جنگ ظاهر می‌شوند و از کشته شدگان تغذیه می‌کنند. این با نقش آنکو به‌عنوان جمع‌آوری روح همخوانی دارد. موررگان، یک الهه ایرلندی که اغلب به عنوان یک کلاغ به تصویر کشیده می‌شود، جنبه‌های تاریک تر زندگی و مرگ را در بر می‌گیرد و ارتباط بین کلاغ‌ها و مرگ‌ومیر را تقویت می‌کند. گفته می‌شود که آنکو هنگام جمع‌آوری روح صدهای شوم از خود ساطع می‌کند، شبیه به این که کلاغ‌ها از مرگ یا بدبختی قریب‌الوقوع خبر می‌دهند و بر نقش مشترکشان به‌عنوان منادی تأکید می‌کنند. رویارویی الجین با کلاغ را می‌توان به‌عنوان هشداري نمادین در مورد مرگ یا تغییر قریب‌الوقوع، شبیه به حضور پیشگویی آنکو تعبیر کرد. این تجربه با مضامین سرنوشت و اجتناب‌ناپذیری که هم در اساطیر آنکو و هم در نمادگرایی موررگان یافت می‌شود طنین‌انداز می‌شود. رفتار پرخاشگرانه زاغ ممکن است رویارویی الجین با مرگ و میر خود یا عواقب اعمال او را تسریع کند. حمله زاغ نماد لحظه‌ای از دگرگونی برای الجین است که به موازات انتقال آنکو از زندگی به مرگ است. این برخورد او را وادار می‌کند تا با حقایق عمیق‌تری درباره خود و نقش اجتماعی‌اش روبرو شود، مشابه اینکه چگونه شخصیت‌های اساطیر سلتی با سرنوشت خود روبرو می‌شوند. هم آنکو و هم زاغ‌ها به‌عنوان منادی تغییر عمل می‌کنند. تجربه الجین نشان‌دهنده تحولی قریب‌الوقوع در زندگی اوست.

نویسنده و شاعر



مهارت های رشد اجتماعی در کودکان و همدلی



کوثر قندهاری

در شماره قبل به بررسی روش های دوست یابی و کارگروهی که از مهارت های اجتماعی کودکان است، پرداختیم و در این شماره به پیچیده

ترین مهارت از مهارت های رشد اجتماعی یعنی همدلی می پردازیم. همدلی خرده مهارت نسبتا سخت و پیچیده ای است که دارای ابعاد مختلف فیزیکی، حرکتی، عاطفی و شناختی است. هنگامی که قصد همدلی با شخصی را داریم، نیاز است تمامی این ابعاد را به کار ببریم در غیر اینصورت همدلی ما نمود واقعی نخواهد داشت. منظور از بعد فیزیکی و حرکتی همان زبان بدن است، بدین معنا که هنگام همدلی با شخصی نیاز است زبان بدنمان با او یکی و هماهنگ باشد. علاوه بر این در بعد عاطفی نیز نیاز است از نظر احساسی به طور کامل شخص را درک کنیم و بفهمیم چه احساسی و به چه میزان از آن را دارد. و منظور از بعد شناختی این است که بررسی کنیم شخص مورد نظر چه فکری داشته که این احساس در او به وجود آمده است یعنی بتوانیم دیدگاه مخاطب را بفهمیم. این مهم را نیز باید بدانیم که همدلی با همدردی متفاوت است؛ در همدلی فرد مرزهای خودش را مشخص می کند اما در همدردی در درد و مسئله فرد دیگر فرو می رود. برای آموزش ابعاد مختلف همدلی فعالیت های متفاوتی وجود دارد. در وهله اول فعالیتی با عنوان(مثل او راه برو) که برای آموزش بعد فیزیکی و حرکتی است و برای کودکانی که هوش بدنی و حرکتی بالایی دارند بسیار مناسب است. بدین صورت است که از بچه ها می خواهیم به ترتیب پانتومیم راه رفتن انسان ها با احساسات مختلف را انجام دهند و بقیه، آن حس را حدس بزنند و بگویند چرا اینطور راه می رود. در نهایت به بچه ها توضیح می دهیم که ما از حرکات بدن انسان ها می توانیم احساساتشان را بفهمیم. برای آموزش همدلی نیاز است به کودکانمان یاد دهیم که که خود را به جای آدم های مختلف (معلم، دوست، نابینا، معلول و...) بگذارند. یعنی اگر از معلم یا دوست خود ناراحت شده اند، خود را جای او بگذارند و از زاویه نگاه او به مسئله نگاه کنند، به همین منظور

دو فعالیت با عناوین کوری در زندگی روزمره و بازی معلولیت که در آن بچه ها نقش آدم هایی با انواع معلولیت ها را اجرا می کنند، طراحی شده است. در بازی کوری در زندگی روزمره بچه ها به گروه های دو نفره تقسیم می شوند. در هر گروه یکی از افراد نقش نابینا و دیگری نقش راهنما را برعهده می گیرد تا به فرد نابینا کمک کند. راهنما یک تکه کاغذ دارد که کارهای روزمره روی آن نوشته می شود و این کارها را یک به یک برای فرد نابینا می خواند و او آنها را انجام می دهد. راهنما باید مطمئن شود که فرد نابینا به خودش صدمه نمی زند. در بازی معلولیت نیز بچه ها به جای افرادی که معلولیت های مختلف دارند، ایفای نقش می کنند به طور مثال با گذاشتن یک بادکنک در بین پاهایشان هنگام راه رفتن، به جای فردی که از پا معلول است ایفای نقش می کنند یا با بستن دست به پشت بدن باید بتوانند کارهایشان را با یک دست انجام دهند. همه ی بچه ها هم در نقش فرد معلول و هم در نقش فرد سالم بازی می کنند و در نهایت تفاوت های این دو حالت را باهم مقایسه می کنند. در پایان نیاز است که هدف بازی را با بچه ها به بحث بگذاریم، چرا که ممکن است بعضی از بچه ها به طور مستقیم متوجه هدف فعالیت نشوند؛ بنابراین نیاز است که به آن ها توضیح دهیم و بررسی کنیم که انسان ها در چنین شرایطی چگونه زندگی می کنند؟! و ما باید در برابر آن ها چه کنیم! آیا می توانیم به آن ها کمک کنیم یا نه؟! چنانچه کمکی از ما برنمی آید، چگونه می توانیم با این افراد همدلی کنیم. در حقیقت هدف اصلی همدلی همین است که بیاموزیم با آدم های مختلف و با شرایط زندگی متفاوت چگونه برخورد کنیم. و این آموزش بسیار مهم و کاربردی برای کودکان به ویژه آن دسته از کودکانی که مدام دیگران را مسخره می کنند، است. از دیگر فعالیت هایی که باعث آموزش بعد عاطفی همدلی

می شود؛ فعالیت (من امروز چه رنگی هستم) است. ابتدا به بچه ها توضیح می دهیم که آدم ها به سبب تجربیات مختلف احساسات متفاوتی را تجربه می کنند و هر احساسی می تواند یک رنگ داشته باشد و قبل از شروع بازی، توافق می کنیم که هررنگ نماد چه احساسی باشد. آنگاه موقعیت های مختلفی را نام می بریم و می گوئیم رنگ یا استیکر مورد نظر را بالا ببرند. این فعالیت به صورت کاملا تصویری اجرا می شود. چرا که هدف عینی کردن احساسات است تا بدین سبب بچه ها بتوانند احساسات مختلف را کاملا درک کنند. از دیگر بازی هایی که برای پرورش مهارت همدلی به کار می رود، بازی(آینه دوستت شو) است. در این بازی ابتدا یک آینه جلوی کودک می گذاریم و می گوئیم این آینه شما را دقیقا به همان شکلی که هستید، نشان می دهد. سپس بچه ها را به گروه های دو نفره تقسیم می کنیم و یک نفر ادا در می آورد و نفر دیگر مثل آینه دقیقا حرکات او را به مدت یک دقیقه انجام می دهد. سپس همانند سایر بازی ها، جایشان را عوض می کنند. در نهایت به بچه ها می گوئیم هنگامی که انسان ها می توانند به خوبی آینه یکدیگر شوند، حس خوبی از یکدیگر می گیرند و چنانچه نتوانند حس بدی به همدیگر منتقل می کنند و در حقیقت در این تمرین به بچه ها می آموزیم که وقتی می خواهیم بفهمیم دیگران چه حس دارند، دقیقا همانند این تمرین به همه حرکاتشان دقت می کنیم. تا به اکنون تمامی مهارت های زندگی کودکان به جز مهارت نه گفتن را بررسی کردیم و در شماره آینده به بخش پایانی مهارت های رشد کودکان یعنی مهارت نه گفتن و برخورد قاطعانه می پردازیم.

کارشناس مشاوره تربیتی و تحصیلی

استان اشاره کرد و از تلاش ها برای رفع موانع در این پروژه ها خبر داد. وی با اشاره به سرمایه گذاری ۱۶۰۰ میلیارد تومانی در بخش آب، گفت: پروژه های مهمی مانند شیرین سازی آب دریا و انتقال پساب گرگان به منطقه آزاد اینچه برون را با همکاری یک هلدینگ و شرکت آب منطقه ای در دست اجرا داریم. طهماسبی یادآور شد: این پروژه ها می توانند نیازهای صنعت و منطقه آزاد را تأمین کنند اما موانع اداری نباید مانع پیشرفت آن ها شود. وی همچنین به پروژه سد چهل چای مینودشت اشاره کرد که با وجود کلنگ زنی در ۱۹ سال پیش، تنها ۲۰ درصد پیشرفت است. طهماسبی افزود: شش روستا در کاسه این سد قرار دارند و به دلیل تأخیر در پروژه، نمی توانیم خدمات لازم را به این روستاها ارائه دهیم که با همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و وزارت نیرو، این پروژه در حال پیگیری است. استاندار گلستان از همه مدیران، علماء، بسیجیان و شهروندان خواست تا با روحیه انقلابی و وطن دوستی، در راستای توسعه استان و کشور گام بردارند. طهماسبی افزود: هر یک از ما، چه به عنوان استاندار، چه رئیس جمهور و چه یک شهروند عادی، باید زبان گویای ایران باشیم و اجازه ندهیم موانع اداری ما را از خدمت به مردم بازدارد.

باید اصلاح شوند تا خدمت رسانی به مردم با سرعت و کیفیت بهتری انجام شود. طهماسبی اظهار کرد: از برخی مکاتبات و رویه های اداری که می بینم خجالت می کشم. این مسائل در نظامی که برای خدمت به مردم شکل گرفته، پذیرفتنی نیست. استاندار گلستان بیان کرد: هیچ ابایی ندارم که این مشکلات را با مردم و رسانه ها مطرح کنم تا همه بدانند چه عواملی مانع پیشرفت پروژه های توسعه ای استان می شود. استاندار گلستان با تأکید بر اهمیت شفافیت در نظام اسلامی، از مدیران خواست تا در برابر موانع سکوت نکنند و مسائل را با صداقت با مردم در میان بگذارند. طهماسبی گفت: مردم حق دارند بدانند چرا برخی پروژه ها با تأخیر مواجه می شوند یا چرا برخی خدمات به آن ها ارائه نمی شود. وی ادامه داد: به عنوان خادمان مردم، موظفیم با شفافیت عمل کنیم و از رسانه ها نیز می خواهیم که در این مسیر همراه ما باشند. طهماسبی از هماهنگی و همکاری بین بخشی در شورای اداری و دستگاه های اجرایی استان ابراز خرسندی کرد و گفت: این هماهنگی نشان دهنده تعهد مدیران به توسعه استان است و باعث شده که در بسیاری از حوزه ها پیشرفت های خوبی داشته باشیم. استاندار گلستان در ادامه به برخی پروژه های کلیدی

استاندار گلستان:

موانع اداری شرم آور است

لیلا حسین زاده- استاندار گلستان با انتقاد صریح از موانع اداری که عملکرد مدیران را مختل می کند، برخی رویه های بوروکراتیک را «شرم آور» خواند و اعلام کرد که بدون هیچ ابایی، این مسائل را با مردم و رسانه ها در میان خواهد گذاشت. علی اصغر طهماسبی از هماهنگی بین بخشی در دستگاه های اجرایی استان ابراز رضایت کرد و خواستار رفع موانع توسط دستگاه های محل شد. وی از دستگاه هایی که با ایجاد موانع اداری، روند خدمت رسانی به مردم را کند می کنند، گله کرد و افزود: این مسائل

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک / مرحله ای

فراخوان ۰۴۰۰۰۰۸۸۰۰۰۰۰۴۰۰۴

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در نظر دارد

فراخوان تکمیل و احداث نمایشگاه محصولات فرهنگی گرگان (تکارخانه) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

*تاریخ انتشار فراخوان: ۱۳/۰۵/۱۴۰۴ روز دوشنبه ساعت ۱۳/۰۰

*مهلت ارسال پیشنهادات: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ ساعت ۰۸/۰۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۱۰/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: ۰۱۷۳۲۲۶۰۶۰ - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان

*مهلت دریافت اسناد فراخوان: روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ ساعت ۱۴/۳۰

*زمان بازگشایی پاکت ها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ ساعت ۰۹/۰۰

نشانه آگهی ۱۹۷۶۳۹۳

آیا ضد آفتابتان فاسد شده؟ نشانه‌ها و نگهداری صحیح

پوست کمک نمی‌کند بلکه می‌تواند عوارض جدی به همراه داشته باشد. به همین دلیل در استفاده از این کرم‌ها باید مراقب باشید. این در مورد کرم‌های به جز ضد آفتاب‌ها نیز صدق می‌کند؛ مثلاً تصور کنید بعد از مدتی می‌خواهید از کرمی رفع ترک‌های پوستی استفاده کنید، به جای اینکه سراغ کرم‌های قدیمی و تاریخ مصرف گذشته بروید، از کرم‌های باکیفیت و جدید استفاده کنید. با این کار به سلامت پوست خود کمک کرده‌اید و متحمل هزینه زیادی نمی‌شوید و از عوارض استفاده از کرم‌های قدیمی در امان هستید.

راه حل هایی برای تاثیر بهتر کرم ضد آفتاب
برای افزایش تاثیر کرم‌های ضد آفتاب و بهبود حفاظت از پوست در برابر اشعه‌های مضر خورشید، می‌توانید از راهکارهای زیر استفاده کنید:
۱- انتخاب کرم مناسب: از کرم ضد آفتاب با SPF مناسب (حداقل ۳۰) استفاده کنید که از طیف وسیعی از اشعه‌های UVA و UVB محافظت کند. همچنین، اگر پوست حساسی دارید، از محصولات غیرمعطر و بدون مواد شیمیایی خشن استفاده کنید.
۲- استفاده به میزان کافی: برای پوشش کامل پوست، حداقل ۲ میلی‌گرم کرم ضد آفتاب برای هر سانتی‌متر مربع از پوست استفاده کنید. این مقدار معمولاً حدود یک قاشق غذاخوری برای صورت و گردن و حدود ۲ تا ۳ قاشق غذاخوری برای بدن است.
۳- زمان‌بندی صحیح: کرم ضد آفتاب را ۱۵ تا ۳۰ دقیقه قبل از قرار گرفتن در معرض آفتاب بزنید تا به خوبی جذب پوست شود.
۴- تکرار استفاده: کرم ضد آفتاب را هر دو ساعت یکبار و همچنین بعد از شنا، عرق کردن یا خشک کردن با حوله تجدید کنید.
۵- استفاده از لایه‌های محافظ: برای افزایش حفاظت، می‌توانید از لباس‌های پوششی، کلاه، عینک آفتابی و سایه‌بان استفاده کنید. این روش‌ها به کاهش تماس مستقیم پوست با اشعه‌های خورشید کمک می‌کنند.
۶- اجتناب از ساعات اوج تابش: سعی کنید در ساعات اوج تابش خورشید (بین ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر) از قرار گرفتن در معرض آفتاب پرهیز کنید.
۷- رطوبت‌رسانی: استفاده از مرطوب‌کننده‌ها قبل از کرم ضد آفتاب می‌تواند به جذب بهتر آن کمک کند. همچنین، پوست مرطوب بهتر می‌تواند از آسیب‌های ناشی از آفتاب محافظت کند.
۸- توجه به تاریخ انقضا: همیشه از کرم‌های ضد آفتاب تازه و با تاریخ انقضای معتبر استفاده کنید. محصولات تاریخ گذشته ممکن است اثر بخشی کمتری داشته باشند.
۹- آزمایش حساسیت: قبل از استفاده از یک کرم جدید، آن را روی ناحیه کوچکی از پوست تست کنید تا از عدم وجود واکنش‌های آلرژیک اطمینان حاصل کنید. با رعایت این نکات، می‌توانید تاثیر کرم ضد آفتاب را افزایش دهید و از پوست خود در برابر آسیب‌های ناشی از آفتاب، بهتر محافظت کنید.



آن را خراب کنند؛ به خصوص اگر کرم ضد آفتاب شما حاوی مواد طبیعی و در عین حال ناپایدار باشد. تغییر رنگ کرم ضد آفتاب: اگر متوجه رنگ زرد یا قهوه‌ای در کرم ضد آفتاب خود شدید، این مورد می‌تواند یکی از نشانه‌های فاسد شدن ضد آفتاب باشد و بهتر است آن را دور بیندازید. این رنگ مایل به زرد معمولاً به دلیل اکسیداسیون در طول زمان یعنی زمانی که محصول در معرض هوا و نور خورشید قرار می‌گیرد، ایجاد می‌شود. تغییر رنگ کرم، یکی از بهترین راه‌های تشخیص فاسد شدن کرم ضد آفتاب است.

استفاده از کرم ضد آفتاب تاریخ گذشته چه ضرری دارد؟

کرم‌های ضد آفتاب تاریخ مصرف گذشته دو مشکل اصلی دارند: اول اینکه از پوست در برابر اشعه‌های مضر خورشید محافظت نمی‌کنند و دوم اینکه فرمولاسیون شیمیایی آن‌ها می‌تواند اکسید شود و اثربخشی‌شان کاهش یابد. برخی کرم‌های ضد آفتاب معنی که حاوی اکسید روی یا دی‌اکسید تیتانیوم هستند، ممکن است این مشکل را نداشته باشند، اما همچنان با گذشت زمان تجزیه می‌شوند. استفاده از کرم‌های تاریخ گذشته می‌تواند به بروز مشکلات جدی پوستی مانند جوش، آکنه، التهاب و حتی سرطان‌های پوستی منجر شود. این تحریک حتی می‌تواند خود را به اشکال مختلف نشان دهد. شایع‌ترین نوع عوارض پوستی ایجاد جوش‌های ریز سیاه، جوش‌های چرکی و عفونی و در نهایت تاول است که بالاترین حالت آن خواهد بود. این عوارض بیشتر به دلیل استفاده از فونداسیون فاسد و تاریخ مصرف گذشته است. درمان این عوارض هم پرهزینه و هم زمان‌بر است. برخی افراد به دلیل ناآگاهی یا قیمت بالای محصولات، از کرم‌های قدیمی استفاده می‌کنند، اما این کار نه تنها به سلامت

خورشید می‌تواند به مواد تشکیل‌دهنده کرم ضد آفتاب آسیب برسانند. قرار دادن کرم ضد آفتاب در معرض نور مستقیم خورشید، داخل ماشین، کنار وسایل گرمایزا، یا در نزدیکی پنجره‌ها، باعث تجزیه مواد فعال و کاهش اثربخشی آن می‌شود.

باز بودن طولانی مدت درپوش: با باز ماندن طولانی مدت درپوش تیوب کرم، امکان ورود گرد و غبار، باکتری‌ها و رطوبت به داخل آن افزایش می‌یابد. این عوامل می‌تواند باعث تجزیه مواد و کاهش کیفیت کرم شوند.

آلودگی و کثیفی: تماس تیوب کرم با دست‌های آلوده یا محیط‌های کثیف می‌تواند منجر به ورود باکتری‌ها و آلودگی به داخل کرم شود. این امر می‌تواند باعث رشد میکروب‌ها، تغییر رنگ و بوی کرم و در نهایت کاهش اثر بخشی آن شود.

نشانه‌های خراب شدن ضد آفتاب

ضد آفتاب‌های فاسد شده ممکن است تغییرات ظاهری و بویایی نشان دهند. مهم است که قبل از استفاده از ضد آفتاب، به دنبال این نشانه‌ها باشید: تغییر بافت: اگر ضد آفتاب به جای حالت نرم و یکدست، آبکی، لخته‌ای، یا گلوله گلوله شده باشد، یا اگر مایعی روغنی از آن خارج شود، این نشانه‌ای از خراب شدن است. این تغییر بافت معمولاً به دلیل جدا شدن مواد تشکیل‌دهنده و رسوب در داخل ظرف است. تغییر بوی ضد آفتاب: اگر کرم ضد آفتاب شما بوی تند یا زننده‌ای از آن خارج شود، این نشانه‌ای از خراب شدن است. معمولاً بوی نامطبوع نشانه آلوده بودن کرم ضد آفتاب به باکتری است. اگر سر لوله را با دست‌های کثیف لمس کنید یا مرتباً بدون درپوش آن را در معرض هوا قرار دهید، ذرات می‌تواند به کرم ضد آفتاب نفوذ کرده و به مرور زمان

تابستان، فصل شادی و تفریح است، اما با گرمای خورشید، مراقبت از پوست در برابر اشعه‌های مضر UV اهمیت پیدا می‌کند. استفاده از ضدآفتاب‌های باکیفیت، کلیدی برای حفظ سلامت و زیبایی پوست در این فصل است. در این مقاله، به بررسی تاریخ انقضا و نکات مهم نگهداری از ضدآفتاب‌ها می‌پردازیم تا بتوانید از پوست خود به بهترین شکل محافظت کنید. به گزارش ایرنا زندگی، ضد آفتاب، مانند بسیاری از محصولات مراقبت از پوست، تاریخ انقضا دارد و با گذشت زمان، کیفیت و اثر بخشی آن کاهش می‌یابد. ممکن است با نشانه‌هایی مانند گلوله شدن یا تغییر بافت روی پوست مواجه شده باشید، اما شاید همچنان از آن استفاده کردید. SPF، عنصر کلیدی ضد آفتاب، مستعد فاسد شدن است. ضدآفتاب تاریخ گذشته نه تنها دیگر محافظت کافی در برابر اشعه‌های مضر خورشید را ارائه نمی‌دهد، بلکه می‌تواند به پوست شما آسیب برساند. در این مقاله، دلایل فاسد شدن ضد آفتاب، راه‌های تشخیص آن و روش‌های نگهداری مناسب برای جلوگیری از فاسد شدن زودهنگام این محصولات را بررسی خواهیم کرد. ضد آفتاب، محصولی تنظیم‌شده توسط FDA است و تاریخ انقضا دارد. معمولاً تا ۳ سال قابل استفاده است، اما اگر تاریخ انقضا پاک شده باشد، به دنبال اطلاعات دیگر روی بسته‌بندی باشید. ضد آفتاب‌های معدنی (شیمیایی) با منعکس کردن اشعه UV عمل می‌کنند، و معمولاً به صورت لوسیون هستند که مواد فعال (مانند اکسید روی یا دی‌اکسید تیتانیوم) در حلال معلقند. نانوذرات این مواد، چگال‌تر از محیط اطراف هستند.

آیا کرم ضد آفتاب خراب می‌شود؟

کرم‌های ضد آفتاب، مانند بسیاری از محصولات مراقبت از پوست، تاریخ انقضا دارند و با گذشت زمان کیفیت و کارایی خود را از دست می‌دهند. دلایل اصلی فاسد شدن و کاهش اثربخشی کرم ضد آفتاب عبارتند از:

منقضی شدن: همانند هر محصول دیگری، کرم ضد آفتاب نیز تاریخ انقضایی دارد. پس از گذشت این تاریخ، مواد تشکیل‌دهنده آن ممکن است تغییر کرده و اثربخشی خود را از دست بدهند. SPF (فاکتور محافظت در برابر آفتاب) که نقش اصلی در محافظت از پوست در برابر اشعه‌های مضر UV را ایفا می‌کند، با گذشت زمان کاهش می‌یابد.

محیط مرطوب: حفظ کرم ضد آفتاب در محیط مرطوب (مانند حمام) می‌تواند منجر به رشد قارچ‌ها و باکتری‌ها شده و کیفیت آن را کاهش دهد. رطوبت زیاد باعث تجزیه مواد تشکیل‌دهنده و تغییرات شیمیایی می‌شود و در نتیجه، کرم ضد آفتاب ممکن است بوی نامطبوع پیدا کند و اثربخشی خود را از دست بدهد.

قرار گرفتن در معرض گرما و نور: گرما و نور

افزایش بهره‌وری راهکار نجات معیشت کشاورزان

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان بر ضرورت نقش‌آفرینی محققان مراکز علمی کشاورزی در افزایش بهره‌وری زمین و بهبود معیشت بهره‌برداران تاکید کرد و گفت: در شرایط کنونی، محققان باید با ارائه الگوهای نوین و ابزارهای مقاوم به کم‌آبی، در کنار کشاورزان برای پایبندی و افزایش تولید گام بردارند. به گزارش روابط عمومی، عبدالعالی کیان‌مهر در نشست کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی

گرگان افزود: گلستان با داشتن زمین‌های حاصلخیز، ظرفیت تولید بیشتر را دارد، اما نیازمند معرفی ابزارهای پربازده و مقاوم به کم‌آبی هستیم تا درآمد کشاورزان افزایش یابد. وی همچنین بر وظیفه دولت در حمایت معیشتی از بهره‌برداران برای رهایی از فقر درآمدی تاکید کرد. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان هم در این جلسه، تفویض اختیارات به استانداران از سوی رئیس‌جمهور را فرصتی بی‌نظیر برای رونق اقتصاد کشاورزی گلستان دانست و گفت: باید از این فرصت برای رفع موانع و افزایش درآمد بهره‌برداران نهایت استفاده را برد. امیر یوسفی با اشاره به جایگاه کشاورزی به‌عنوان نقطه قوت گلستان، افزود: ارائه مشوق‌های تولید پایدار و بهره‌گیری از روش‌های نوین کشاورزی، کلید توسعه این بخش است. وی همچنین از پیگیری حمایت‌های لازم از طریق شورای گفت‌وگوی دولت و

بخش خصوصی خبر داد. معاون بهبود تولیدات گیاهی جهادکشاورزی گلستان هم از کاهش ۶۴ درصدی آب کشاورزی برای کشت‌های بهار و تابستانه در سال جاری نسبت به سال گذشته خبر داد. علی‌اکبر مرقانی نوده اعلام کرد: امسال ۵۰۵ هزار مترمکعب آب برای کشت در نظر گرفته شده که سطح زیر کشت به ۵۴ هزار هکتار رسیده، در حالی که سال گذشته این میزان بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار هکتار بود. وی افزود: خدمات به کشاورزان بر اساس الگوی کشت ارائه می‌شود و سطح سبز محصولات شامل ۸۷۶۰ هکتار پنبه، ۴۱۰۰ هکتار سویا، ۶۲۵ هکتار آفتابگردان، ۲۰۷ هکتار کنجد، ۴۳۸۱۵ هکتار شالی و ۵۶۰۰ هکتار ذرت است. علی موسی‌خانی، رئیس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهادکشاورزی گلستان هم در گزارشی از وضعیت زراعت پنبه و چالش‌های آن، بر لزوم حمایت از این محصول استراتژیک تاکید کرد.